

مدیریت ورزشی _ پاییز ۱۴۰۰
دوره ۱۳، شماره ۳، ص: ۹۳۷ - ۹۳۳
تاریخ دریافت: ۲۲ / ۰۸ / ۹۷
تاریخ پذیرش: ۱۸ / ۰۹ / ۹۸

مطالعه تولیدات علمی غیرمتعارف در بین دانشجویان و دانش‌آموختگان تحصیلات تکمیلی رشته‌های علوم ورزشی با تأکید بر نظریه ناهماهنگی شناختی

زهره حسنی*^۱ - اکرم قبادی یگانه^۲

۱. استادیار، گروه مدیریت ورزشی، دانشکده علوم ورزشی، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران. ۲. دکتری مدیریت ورزشی، دانشکده علوم ورزشی، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران

چکیده

بازار تولیدات علمی غیرمتعارف در مقاطع آموزش عالی و مشاغل کاذب تحت آن، از معضلاتی است که در سال‌های اخیر گریبان کشورهای جهان سومی چون ایران، را گرفته است. از این‌رو هدف این تحقیق بررسی این بازار در بین این دانشجویان با تأکید بر نظریه ناهماهنگی شناختی است. روش پژوهش کیفی-تحلیلی بود و داده‌ها، از طریق مصاحبه نیمه‌ساختاریافته عمیق با ۳۵ نفر از دانشجویان تحصیلات تکمیلی، ۵۲ نفر از رؤسای مؤسسات، ۵ نفر از نویسندگان و ۱۰ نفر از اعضای هیأت علمی دانشگاه‌های علوم ورزشی تهران، شهید بهشتی، علامه طباطبایی، تربیت مدرس و آزاد و رازی کرمانشاه به‌دست آمد و در سال ۹۸-۹۷ جمع‌آوری شد. شیوه نمونه‌گیری نظری و هدفمند بود. یافته‌ها نشان داد که قوی‌ترین موقعیت فردی، نوجه‌گرایی و قوی‌ترین موقعیت بیرونی، نبود شغل و فساد در جامعه است. مطالعه نشان داد که نمونه از جنبه جرم این نوع مشاغل آگاهی داشتند، ولی تاکنون برخوردی از سوی مراجع قضایی دریافت نکرده بودند و این عامل ضعف نظام حقوقی را نیز می‌رساند که خود می‌تواند زنگ خطری برای مسئولان نظام آموزشی و حقوقی کشور باشد تا بتوانند با همکاری این نوع مشاغل را ریشه‌کن کنند.

واژه‌های کلیدی

تئوری ناهماهنگی شناختی، دانشجویان، علوم ورزشی، مشاغل کاذب، مؤسسات مشاوره پژوهشی.

مقدمه

رشد و توسعه هر جامعه‌ای منوط به به‌کارگیری نیروی انسانی متخصص و باتجربه است و وظیفه تربیت این نیروی متخصص نیز از سوی دولت‌ها، بر عهد؛ دانشگاه‌ها گذاشته شده و آموزش عالی با این هدف، پایه‌ریزی شده است (۱). بدین منظور، نرخ بالای نیروی تحصیلکرده، شاخصی برای سنجش تخصص‌گرایی در یک کشور محسوب می‌شود و بسیاری از کشورها برای بالا بردن این شاخص، بدون توجه به نیازها و پیامدهای آن، میزان ورودی دانشجویان تحصیلات تکمیلی را بالا می‌برند (۲). سازمان‌های ورزشی نیز، دیگر آن سیستم سنتی را کنار گذاشته‌اند و به‌طور همه‌جانبه‌ای در راستای رشد و توسعه ورزش تلاش می‌کنند. ورزش حرفه‌ای، نیروی حرفه‌ای را می‌طلبد و نمونه این امر را می‌توان در کشورهای پیشرفته اروپایی چون آلمان مشاهده کرد که چقدر به حوزه تحصیلات تکمیلی و آموزش عالی در ورزش، ارزش و بها می‌دهند (۳).

اما، فاجعه آنجا آغاز می‌شود که هیچ‌گونه تمهیداتی به‌منظور اشتغال دانش‌آموختگان تحصیلات تکمیلی در نظر گرفته نشده و شاخص نسبت کار به نیروی انسانی نادیده گرفته می‌شود (۴). با کاهش شغل و ناتوانی دولت در استخدام آنان، جوان تحصیلکرده برای امرار معاش ناگزیر سمت و سوی مشاغلی می‌رود که درآمد مناسبی داشته باشند و اینجاست که پدیده‌ای شوم به نام «مشاغل کاذب»^۱ گسترش می‌یابد که رشته تربیت بدنی و علوم ورزشی نیز از این قضیه مبرا نیست. در سال‌های اخیر، آنچه بین دانش‌آموختگان تحصیلات تکمیلی رواج پیدا کرده و به تشکیل مؤسسات بسیار منجر شده است؛ چیزی که اوسپیان^۲ (۲۰۱۲) آن را «بازار حراج پایان‌نامه‌نویسی»^۳ خوانده است. البته بازار حراج پایان‌نامه‌نویسی، به این معنا نیست که فردی پایان‌نامه‌ای را فقط به‌منظور خواندن و نکته‌برداری خریداری کند، بلکه به معنای هرگونه کار و فعالیت پژوهشی، توسط افرادی به‌غیر از خود دانشجو، در قبال گرفتن پول، نوشته می‌شوند. با آنکه این امر در تمامی کشورها غیرقانونی است و رسانه‌ها همواره آمار بالای مدارک تقلبی، مراکز فروش پایان‌نامه‌ها، رساله‌ها و مقالات، مدیران و مسئولانی را که از این طریق پست دریافت کرده‌اند، اعلام کرده‌اند، هنوز برخورد جدی در این مورد دیده نشده است و این بازار همچنان گرم است (۵).

-
1. Corruption
 2. Osipian
 3. Dissertation for sale

محققان بسیاری به بررسی علل و شرایط این پدیده پرداخته‌اند. به عقیده آنان، به‌وجود آمدن این بازار و مؤسسات نگارش آن، در ابتدا در بخش آموزش عالی به‌منظور ارتقای استادان بوده است. اما با مرور زمان، هر سه گروه، دانشجویان، استادان و دلالان را به یکدیگر مرتبط کرده است (۸-۶). دانشگاهی که مرکز تربیت انسان فرهیخته بود، اینک نیروی انسانی ناکارآمد با توقع بالا را به جامعه تزریق می‌کند، که نتیجه بی‌اعتمادی در سطح ملی و حتی بین‌المللی نیز بروز می‌کند (۹) و حوزه آکادمیک ورزشی نیز با آن دست به گریبان است (۱۰). تنها با مراجعه به میدان انقلاب تهران بزرگ می‌توان دریافت که رشد قارچ‌گونه این پدیده در سراسر کشور مشهود است (۱۱، ۴) و مؤسسات و افراد با علم بر جرم بودن این عمل، با دید مثبت، به جنبه کارآفرینی و کسب درآمد تأکید دارند (۱۲). در واقع نوعی تعارض مبنی بر علم بر جرم بودن ماهیت کار و تلاش برای برطرف‌سازی این بعد منفی وجود دارد؛ چیزی که لئون فستینگر^۱ در تحقیقات جامعه‌شناختی خود آن را «تئوری ناهماهنگی شناختی^۲» می‌خواند (۱۳). فستینگر معتقد است که تعارض میان دو عنصر شناختی در درون فرد، اساس تغییر نگرش را تشکیل می‌دهد. دو عنصر شناختی زمانی ناهماهنگی پیدا می‌کنند که تأیید یکی موجب نفی دیگری می‌شود. این حالت، زمانی پیش می‌آید که فرد باورهای متضاد یا حتی نگرش و رفتار مخالف هم داشته باشد. به عقیده فستینگر، کسی که می‌داند دو عنصر شناختی ناهماهنگ دارد، حالت تنش ناخوشایندی را احساس می‌کند. تعارض درونی در واقع با افزایش ناخوشایند برانگیختگی فیزیولوژیک بدن تجلی می‌کند. هر اندازه شناخت‌های موردنظر مهم و انحراف آنها از یکدیگر بیشتر باشد، ناهماهنگی به همان اندازه بزرگ‌تر خواهد بود. در این حالت، علاوه بر کوشش برای کاهش ناهماهنگی، شخص فعالانه از موقعیت‌ها و اطلاعاتی که احتمال دارد ناهماهنگی را افزایش دهد، پرهیز می‌کند. علت پیدایش این حالت در فرد دو موقعیت است (۱۴):

الف) موقعیت‌های فردی شامل ۱. ناهماهنگی به‌عنوان نتیجه تصمیمات اتخاذشده: در این حالت فرد جنبه منفی کار را ناشی از بخش غیرقابل کنترل یک تصمیم می‌داند؛ ۲. ناهماهنگی ناشی از میل: اگر کسی برای دریافت پاداش، کاری انجام دهد که به نظرش غیراخلاقی می‌آید، شناخت از غیراخلاقی بودن کار، با شناخت از انجام دادن آن، ناهماهنگی پیدا می‌کند؛ در این حالت فرد خود را متقاعد می‌کند که این عمل خیلی غیراخلاقی نیست؛ ۳. ناهماهنگی ناشی از تلاش: اگر فردی در موقعیتی قرار بگیرد که برای رسیدن به هدف معین پیوسته تلاش کند ولی موفق نشود، با ناهماهنگی مواجه خواهد شد. یکی از طرق

1. Leon Festinger

2. Cognitive Dissonance Theory

ممکن برای کاهش ناهماهنگی، این است که در آن موقعیت چیزی پیدا کند که برای آن ارزش قائل است؛ ۴. ناهماهنگی ناشی از کار انجام گرفته: اغلب اوقات مردم در موقعیتی قرار می‌گیرند که باید وضعیت نامطلوبی را تحمل کنند. شناختی که هر کس در خصوص وضعیت نامطلوب دارد، با این تصور که باید این وضعیت را تحمل کند، ناهماهنگ است. یکی از طرق تقلیل این ناهماهنگی برای او این است که قبول کند موقعیت تا آن اندازه که ابتدا به نظر می‌رسید، نامطلوب نیست.

ب) موقعیت‌های اجتماعی شامل ۱. ناهماهنگی ناشی از تقدم غلط محیط اجتماعی: فردی ممکن است در محیط اجتماعی نامطلوبی قرار بگیرد و در تعامل با آن دچار زحمت شود، در این صورت، احساس ناهماهنگی به او دست می‌دهد؛ ۲. ناهماهنگی ناشی از اختلاف با دیگران: وقتی کسی در برابر نظریه‌ای مخالف با نظریه خود قرار می‌گیرد و این نظریه از طرف افراد مشابه خود او ابراز می‌شود، احساس ناهماهنگی می‌کند. تصویری که این فرد از افکار شخصی خود دارد، با تصویری که درباره افراد دیگر دارد، ناهماهنگ است؛ ۳. ناهماهنگی ناشی از هم‌نوایی اجباری: موقعیت‌های فراوانی وجود دارد که در آنها گروه فرد را مجبور می‌کند تا به صورت بارزی برخلاف اعتقادات خود رفتار کند. در این حالت، فرد ناهماهنگی احساس می‌کند.

به‌طور کلی، آنچه از این نظریه برداشت می‌شود این است که فرد با در نظر گرفتن شرایط خود را مبرا می‌داند و به ادامه فعالیت می‌پردازد (۱۵). در حوزه پایان‌نامه‌نویسی تحقیقات گسترده‌ای صورت گرفته است و عواملی چون تعدد کار پژوهشی مبنای ارتقای استادان و دانشجویان (۱۶)، عامل فشار نمره، نوجه‌گرایی استادان و نبود قوانین مؤسسه‌ای (۱۷)، آموزش‌های ناکافی قبل و بعد از ورود به دانشگاه توسط نظام آموزشی، ناتوانی استادان در تشخیص سرعت علمی، عامل فشار زمانی (جهت فارغ‌التحصیلی) و نداشتن قوانین منسجم تنبیهی (۱۸)، پذیرش دانشجو بیش از توان استادان و پایین آمدن کیفیت و اصرار استادان بر استخراج مقالات (۱۹)، این شرایط را ایجاد کرده است.

با توجه به نظریه فستینگر و پژوهش‌های عنوان‌شده، این سؤال مطرح می‌شود که آیا ناهماهنگی شناختی ناشی از نوشتن غیرقانونی کارهای پژوهشی با چنین دلایلی توجیه‌پذیر می‌شوند؟ در واقع، باید بررسی کرد که توجیه این افراد برای کاهش این ناهماهنگی چیست؟ سؤالی که این پژوهش سعی دارد به آن دست پاسخ گوید. با توجه به اهمیت هدف دانشگاه‌های علوم ورزشی مبنی بر توسعه علمی ورزش و بهبود سلامت جامعه، این پدیده با ایجاد تعامل معیوب، بی‌اعتمادی به مهم‌ترین نهاد آموزشی را منجر می‌شود که ضرورت مطالعه این مهم را تعیین می‌کند.

روش‌شناسی

با توجه به هدف پژوهش، این پژوهش از نوع توصیفی-تحلیلی بود که با رویکرد کیفی انجام گرفت. از نظر پارادایمی، تحقیق کیفی مبتنی بر پارادایم تفسیرگرایی-اجتماعی بود و داده‌ها از طریق مصاحبه‌های عمیق نیمه‌ساختاریافته جمع‌آوری شد. جامعه آماری با توجه به قلمرو پژوهش، دانشجویان علوم ورزشی - زیستی و انسانی- تحصیلات تکمیلی (کارشناسی‌ارشد و دکتری)، اعضای هیأت علمی و نویسندگان و مؤسسات بازار پایان‌نامه‌نویسی (منظور از مؤسسات دفاتر فعالی بودند که با داشتن مجوز تحت عنوان مشاوره کارهای پژوهشی انجام می‌دادند، اما در اصل به‌واسطه دریافت وجه، دانشجویانی را که متقاضی بودند به نویسندگان مرتبط می‌ساختند یا واسطه بین استادان و نویسندگان یا دانشجویان و نویسندگان بودند) در سال ۹۷-۹۸ بود که متناسب با راهبرد پژوهش به شیوه نمونه‌گیری گلوله‌برفی انتخاب شدند. با اینکه به تمامی مصاحبه‌شوندگان اطمینان داده شد که هرگز نامی از ایشان آورده نخواهد شد، اما معیار خروج از مطالعه نیز تمایل نداشتن مشارکت‌کننده به ادامه مصاحبه بود. با توجه به آنکه در پژوهش‌های کیفی، تعداد دقیق افراد نمونه مشخص نیست و نمونه‌گیری در میدان تحقیق انجام می‌گیرد، تعداد نمونه‌ها باید در حدی باشد که به تبیین و شناخت مسئله موردنظر کمک کند و به اشباع یا اقناع موردنظر بینجامد و با افزایش تعداد نمونه‌ها داده جدیدی حاصل نشود. در این پژوهش، نمونه‌گیری تا زمان اشباع داده‌ها ادامه یافت، به طوری که تعداد مشارکت‌کنندگان به ۱۳۲ نفر رسید و تجزیه و تحلیل بعد از پیاده کردن مصاحبه‌ها صورت گرفت. تحلیل داده‌ها طی فرایندی منظم و در عین حال مداوم از مقایسه داده‌ها بود و برای پاسخگویی به پرسش‌های پژوهش، از فرایند کدگذاری باز و کدگذاری محوری استفاده شد. برای کدگذاری باز متن مصاحبه‌ها خوانده شده و جملات اصلی آن استخراج و به صورت کدهایی ثبت شدند و سپس، کدهای مشابه در دسته‌هایی قرار گرفتند. در کدگذاری محوری، طبقات به طبقات فرعی خود ربط داده شدند تا تبیین‌های دقیق و کامل‌تری درباره پدیده ارائه شود. همچنین در کدگذاری محوری، دسته‌های اولیه که در کدگذاری باز تشکیل شده بودند، با هم مقایسه شدند و آنهایی که با هم شباهت داشتند، حول محور مشترکی قرار گرفتند. براساس مدل پارادایمی، توجه به شرایط علی درونی و بیرونی هر طبقه و برای هر سه گروه، در این مرحله ضروری بود. طبق نظر لینکلن و کوپا^۱ (۱۹۸۵)، در مطالعات

1. Lincoln & Guba

کیفی چهار معیار برای اعتمادپذیری مطالعه پیشنهاد شده است: قابلیت اتکا و اطمینان^۱، انتقالپذیری^۲، همسانی و باورپذیری^۳ (۲۰). در این پژوهش از طریق نمونه‌گیری نظری، ارائه اطلاعات در خصوص اهداف پژوهش به شرکت‌کنندگان برای جلب اعتماد آنها در طول مصاحبه‌ها، بررسی مداوم داده‌ها، ضبط صدا، پیاده‌سازی و تحلیل داده‌ها بلافاصله پس از مصاحبه و بازخورد آن برای مصاحبه‌های بعدی و بیان تمام جزئیات مربوط به مفاهیم و مضامین اصلی و فرعی، برای افزایش قابلیت اتکا و اطمینان به یافته‌های پژوهش استفاده شد. تأییدپذیری داده‌ها با روش بازبینی اعضا صورت گرفت؛ بدین معنا که داده‌ها از طریق بازنگری هفت تن از خبرگان در دسترس و استفاده از نظرهای اصلاحی آنان آزمون شد. برای بررسی انتقال‌پذیری مطالعه، نتایج در اختیار پنج فرد خبره که در تحقیق شرکت نداشتند و از اعضای هیأت علمی دانشگاه بودند، گذاشته شد و از آنان خواسته شد تا نظرهای اصلاحی خود را بیان و نتایج را با تجربه‌ها و دانش خود مقایسه کنند. در خصوص معیار همسانی نیز، در بخش یافته‌ها، تلاش شد تا متناسب با موضوع بحث مکالمات به‌صورت لفظ به لفظ ارائه شود.

یافته‌ها

از ۱۳۲ شرکت‌کننده در پژوهش، ۲۸ نفر دانشجویان تحصیلات تکمیلی، ۵۲ نفر مسئول مؤسسه فعال، ۳۵ نفر از نویسندگان و ۱۰ نفر هم از استادان بودند که همگی اعضای هیأت علمی بودند. ویژگی‌های جمعیت‌شناسی این افراد در جدول ۱ آورده شده است.

جدول ۱. فراوانی ویژگی‌های جمعیت‌شناسی شرکت‌کنندگان در پژوهش

ویژگی	مدرک تحصیلی		جنس		سن		دانشگاه محل تحصیل یا اخذ مدرک	
	کارشناسی ارشد	لیسانس و پایین‌تر	زن	مرد	۳۶-۴۵	۲۳-۳۵	دولتی	آزاد
نویسندگان	۱۳	۰	۱۴	۲۱	۱۷	۱۵	۳	۱۲
مسئول مؤسسه	۹	۴۲	۲	۵۰	۱۸	۳۰	۴	۳۲
دانشجویان	۲۳	۰	۱۱	۱۷	۱۱	۶	۱۱	۲۲
استادان	۰	۰	۹	۱	۰	۲	۷	۲

1. Dependability
2. Transferability
3. Credibility

نکته شایان توجه در جدول ۱، نویسندگان مقالاتی است که دارای مدرک دکتری (۲۲ نفر) هستند.

جدول ۲. نحوه فرایند مراجعه دانشجویان به بازار فروش پایان‌نامه

درصد فراوانی	فراوانی	نحوه مراجعه از طریق:
۳۶/۳۶	۴۸	معرفی دوستان یا همکاران
۷/۵۸	۱۰	معرفی اساتید (اساتید راهنما)
۱۵/۹۱	۲۱	معرفی اساتید (سایر اساتید)
۱۸/۱۸	۲۴	آشنایی از طریق تبلیغات (شفاهی، تلگرامی، چاپی، مراکز مشاوره و ...)
۳/۰۳	۴	مدرسان کارگاه‌های آموزشی
۱۸/۹۴	۲۵	مراجعه حضوری به مؤسسات

همان‌طور که در جدول ۲ مشاهده می‌شود، بیشترین فرایند مراجعه از طریق دوستان یا همکاران (۳۶/۳۶ درصد) و کمترین نحوه مراجعه از طریق مدرسان کارگاه‌های آموزشی (۳/۰۳ درصد) بوده است.

جدول ۳. گونه‌شناسی بازار پایان‌نامه‌نویسی بر مبنای تولیدات علمی و قیمت آنها

گونه تولیدات علمی	مقالات داخلی (نشریات معتبر، همایش‌ها و ...)	مقالات خارجی (نشریات ISI)	پایان‌نامه رساله	کپی‌برداری و درج نام و ...)	تألیف، منبع، سازی، پروپوزال داده‌سازی و ...)	فصل چهارم (جعل داده، ...)	کتاب (ترجمه، ...)
میانگین	۳۷۵*	۸۵۰*	۱,۲**	۲,۵**	۱,۵**	۳۵۰*	۵۰۰*
حداکثر	۵۰۰*	۱**	۳**	۵**	۱**	۵۰۰*	۸۰۰*
حداقل	۲۰۰*	۲۰۰*	۶۰۰*	۱**	۱۰۰*	۸۰*	۲۰۰*

توجه داشته باشید که: (* مبلغ به هزار تومان و ** مبلغ میلیون تومان)

براساس داده‌های جدول ۲، بیشترین میانگین قیمت مربوط به کتاب و کمترین مربوط به پروپوزال بوده است.

برای پاسخگویی به پرسش‌های پژوهش تلاش شد که مصاحبه‌ها به صورت عمیق و ممتد در تجربه‌های زیسته مصاحبه‌شوندگان تعمق صورت گیرد. با موشکافی و بررسی دقیق مصاحبه‌های صورت گرفته، مفاهیم گاه از یک جمله و گاه از یک پاراگراف استخراج شدند که در نهایت ۳۵ مفهوم به صورت کدهای باز اولیه

استخراج شد. سپس مفاهیم استخراج شده تجمیع و مفهوم‌های مشترک و نامرتبط از ادامه بررسی خارج و حذف شد که در یک فرایند بررسی و مقایسه و مفهوم‌پردازی، در نهایت در قالب ۳۰ کد نهایی آورده شد. سپس با تشکیل جلساتی با صاحب‌نظران، مفاهیم به دست آمده از نظر مفهومی و معنایی بازبینی شدند. در پایان فرایند کدگذاری باز در مجموع ۲۷ مقوله و در ۷ مفهوم ناهماهنگی شناختی مشخص شد که در جدول ۴ آورده شده است.

جدول ۴. کدگذاری باز داده‌ها

مفاهیم	کدهای نهایی
ناماهنگی به عنوان نتیجه تصمیمات اخذ شده	بالا بودن هزینه‌های پژوهش کیفی (آزمایشگاهی و نرم‌افزارها)، اخذ مدرک به منظور ارتقای شغلی، یادگیری موضوعات روز علم ورزش، یادگیری روش‌های نوین روش تحقیق، ایجاد بانک اطلاعاتی
ناماهنگی ناشی از میل	جلب رضایت استادان، کسب درآمد سریع و خوب، کارآفرینی برای تحصیل کرده‌ها و نخبگان، گرفتن لینک‌های ارتباطی با دانشجویان دارای پست اداری یا استادان
ناماهنگی ناشی از تلاش	تأکید دانشگاه‌ها بر کسرت مقالات به جای کیفیت، اولویت ارتقا بر مبنای کسرت مقالات استادان، نبود شغل و کار
ناماهنگی ناشی از کار انجام شده	ضعف دانشجویان در روش پژوهش و نگارش کارهای پژوهشی، نوجه‌گرایی استادان در دانشگاه‌ها، عدم حمایت دانشگاه‌ها از کارهای پژوهشی
ناماهنگی ناشی از تقدم غلط محیط اجتماعی	ضعف در آموزش روش‌های پژوهش در دانشگاه‌ها، پذیرش دانشجویان مقاطع عالی به منظور بالا بردن آمار دانشجویان، ناتوانی دولت در جذب فارغ‌التحصیلان، عدم عدالت آموزشی ISI، تأکید دانشگاه بر مقالات
ناماهنگی ناشی از اختلاف با دیگران	تأکید استادان راهنما، توصیه دوستان و همکاران، بالا بودن هزینه‌های زندگی، شکستن قبح اخلاقی در اصول تحقیق
ناماهنگی ناشی از همنوایی اجباری	همه‌گیر بودن فساد آموزشی در تمامی دانشگاه‌ها، سرایت فساد اخلاقی در تمامی ارگان‌های دولتی

پس از کدگذاری محوری، با توجه به تفاوت‌ها و شباهت‌های موجود بین مقوله‌های استخراج شده، با در نظر گرفتن مدل پارادایم پژوهشی، مقوله‌ها مورد تحلیل و تقلیل قرار گرفت. سپس در کدگذاری محوری، دو مقوله موقعیت‌های فردی و موقعیت‌های اجتماعی مفهوم‌پردازی شد که با توجه به مدل پارادایم می‌توان آنها را به صورت شرایط درونی و شرایط بیرونی نشان داد. نتیجه این بررسی در جدول ۵ آورده شده است.

جدول ۵. مقوله‌های حاصل‌شده براساس مدل پارادایم		
مدل پارادایم پژوهش	مقوله‌ها در پایان کدگذاری محوری	مقوله‌ها در پایان کدگذاری باز
شرایط علی	موقعیت‌های فردی	ناهماهنگی به‌عنوان نتیجه تصمیمات اخذشده، ناهماهنگی ناشی از میل، ناهماهنگی ناشی از تلاش، ناهماهنگی ناشی از کار انجام‌گرفته
شرایط زمینه‌ای	موقعیت‌های اجتماعی	ناهماهنگی ناشی از تقدم غلط محیط اجتماعی، ناهماهنگی ناشی از اختلاف با دیگران، ناهماهنگی ناشی از هم‌نوایی اجباری

نتیجه‌گیری

گسترش تولیدات علمی غیرمتعارف، ریشه تخریب مسیر توسعه یک کشور را فراهم می‌آورد. هر صنعتی با داشتن ناخالصی، چرخه معیوبی از تولید ناخالص را فراهم می‌آورد و زمانی که این ناخالصی در نظام آموزشی کشوری رسوخ کرد، نمی‌توان انتظار داشت که آن کشور توانایی رقابت با سایر کشورها در عرصه‌های بین‌المللی و حتی برآوردن نیازهای مردمانش را خواهد داشت و چنین کشوری محکوم به سقوط خواهد شد؛ اما با بررسی عللی که سبب کاهش تعارضات فرد می‌شود، می‌توان به علل گرایش افراد به این کار پی برد (۵،۱). به عقیده فستینگر، راه‌حلی‌هایی که فرد برای کاهش این تعارضات به کار می‌برد، در واقع راهکارهایی را ارائه می‌دهد که فرد را از ادامه آن کار منصرف می‌سازد (۲۱). این پژوهش نیز با بررسی بازار تولیدات علمی غیرمتعارف با تأکید بر نظریه ناهماهنگی شناختی فستینگر، صورت گرفت. در ادامه نیز، چگونگی شکل‌گیری هر یک از مقوله‌های یادشده و ابعاد آنها با ذکر نقل‌قول‌هایی از مشارکت‌کنندگان ارائه شده است:

الف) موقعیت‌های فردی

الف-۱) ناهماهنگی به‌عنوان نتیجه اتخاذشده: همان‌طور که بیان شد افراد برای کاهش تعارض درونی، خود را این‌گونه توجیه می‌کنند که هر انتخابی دارای بعد منفی و مثبت خواهد بود (۱۳). مثلاً مصاحبه‌شونده شماره ۲۵ که در رشته‌های فیزیولوژی ورزشی در مقطع دکتری مشغول به تحصیل بود، بیان داشت: «رشته من هر روز مفاهیم جدیدی را در برمی‌گیرد که از این طریق با موضوعات جدید آشنا می‌شوم». در واقع، با هدف آشنایی با مفاهیم جدید، راه توجیهی بر این تعارض بیان داشت. از سوی دیگر، مصاحبه‌شوندگان بیان داشتند که استادان به‌عنوان الگوی رفتاری دانشجویان، قبح ارزش‌های اخلاقی را

برای دانشجویان شکسته‌اند و دانشجویان را تشویق می‌کنند تا به این مؤسسات و نویسندگان مراجعه کنند تا زودتر فارغ‌التحصیل شوند. بالا بودن هزینه‌های روش پژوهش، از دلایلی بود که تقریباً تمامی شرکت‌کنندگان بر آن تأکید داشتند. هزینه‌های دانشجویی بدون منبع درآمد و هزینه‌های بالایی که شرایط فعلی جامعه با آن روبه‌روست، زمینه‌ای را فراهم آورده است تا دانشجو به دلیل پذیرش رشته تربیت بدنی، خود را در شرایطی قرار دهد که کار غیراخلاقی انجام دهد. در چنین شرایطی است که پایان‌نامه‌ها (به‌ویژه آنانی که به‌صورت آزمایشگاهی صورت می‌گیرد)، تنها با شیوه داده‌سازی به پایان می‌رسد و در آینده وجهه علمی تمام پژوهش‌های صورت گرفته را زیر سؤال ببرد و نتیجه آن تنها بی‌اعتباری برای محققان ورزشی ایرانی است.

الف-۲) ناهماهنگی ناشی از میل: در این باره، فرد پاداش غیراخلاقی را با توجیه اخلاقی می‌داند (۱۴). در مصاحبه با مسئولان مؤسسات، به مسئله کارآفرینی برای دانشجویان بیکار اشاره شد. برای مثال، مصاحبه‌شونده شماره ۱۱ بیان داشت: «بیکاری و بی‌پولی جرم و جنایت را در پی دارد. این مؤسسات با به‌کار گرفتن نیروی جوان و مستعد سعی دارد نرخ فقر و بیکاری را در جامعه کاهش دهد و جامعه برای این کار باید از ما تشکر کند». از سوی دیگر، نویسندگان نیز به منبع درآمد خوب و مناسب این شغل اشاره داشتند و برایشان مهم نبود که این کار غیراخلاقی است. همچنان‌که نوری و بختیاری (۱۳۹۲)، اسپیان (۲۰۱۲) و ادرم و تاگسو (۲۰۱۲) در پژوهش‌های خود، به قربانی شدن کیفیت دانشگاه‌ها با گرفتن دانشجویان تحصیلات تکمیلی بیش از حد مجاز اشاره کردند (۱۱، ۹، ۵). این پژوهش نیز نشان داد تصمیم بدون برنامه‌ریزی توجیهی بر این عمل در اختیار استادان قرار داده است. از این رو با در نظر گرفتن میزان ظرفیت پذیرش دانشجو و تعداد استادان راهنما، می‌توان علاوه بر کمک به بازار جذب دانشجویان، به استادان فرصت داد که وقت بیشتری را به دانشجویان خود اختصاص دهند. همچنین مؤسسات آموزشی می‌بایست زمینه ارتقای معیارهای معقولانه‌تری را فراهم کنند تا کشمکش‌های موجود، عرصه را بر استادان و دانشجویان تنگ نکند.

فرد دیگری در این باره می‌گوید: «من از طریق نوشتن مقالات یا پایان‌نامه‌های پژوهشی توانسته‌ام لینک‌های ارتباطی خوبی کسب کنم، چراکه اکثر مراجعه‌کنندگان به من افراد شاغل در دستگاه‌های دولتی هستند که پس اتمام کار، به دوستان صمیمی تبدیل شده‌ایم و توانسته‌ام از طریق آنان سود مادی و معنوی بسیاری کسب کنم». همسو با پژوهش هینمان (۲۰۱۱) (۸)، ریشه این نوع فساد به دلیل گرفتن لینک‌های ارتباطی با سایر افراد یا مقامات صورت می‌گیرد، متأسفانه افراد شاغل به دلیل مشغله‌های کاری

توان انجام کارهای پژوهشی را ندارند، از این رو اگر تدابیری در این زمینه اتخاذ شود که افراد شاغل فارغ از دغدغه‌های کاری به تحصیل علم بپردازند، می‌توان انتظار داشت این مسئله تا حد زیادی حل شود و افراد با توجیه گرفتن لینک به منظور دریافت امتیاز، هرگز به سمت این بازار کذایی نخواهند رفت.

الف-۳) ناهماهنگی ناشی از تلاش: مصاحبه‌شونده شماره ۱۸ بیان داشت: «من پس از فارغ‌التحصیلی برای استخدام به هر دری که می‌زدم جایی مرا نمی‌پذیرفت، بنابراین تصمیم گرفتم تا با ورود به این بازار، منبعی جهت مرتفع‌سازی نیازهایم فراهم سازم». به عقیده افراد، متأسفانه، بیشتر جشنواره‌های علمی مانند جشنواره خوارزمی، دانشجوی برتر و نمونه و ... تنها با ارائه تعداد کارهای پژوهشی رقابت را منطقی می‌داند و استادان علوم ورزشی بیان داشتند: «در زمان ارتقا ما باید تعداد زیادی مقالاتی که در ژورنال‌های خارجی چاپ شده است، ارائه نماییم. درحالی که پذیرش مقالات برای علوم انسانی (مانند مدیریت ورزشی) بسیار سخت است». از این رو نظام‌های آموزشی برای ارتقاء باید از روندی منطقی متناسب با هر رشته، پیروی کنند.

الف-۴) ناهماهنگی ناشی از کار انجام‌گرفته: یکی دیگر از توجیحات کاهش‌دهنده تعارض این است که فرد به خود بقبولاند شرایط بد جامعه او را مجبور کرده است تا به این سو پیش برود. در هر جامعه‌ای حق مسلم هر فرد داشتن شغل مناسب است تا بتواند از طریق کسب درآمد نیازهای اولیه خود را تأمین کند و به تبعات آن جوامع با داشتن کمترین میزان بیکاری، جوامعی شادترند و از نظر جرم و جنایات با آمار و ارقام کمتری مواجه خواهند بود (۱۰، ۷۰۴). زمانی که مسئولان این مؤسسات به این نکته اشاره داشتند که این مؤسسات شرایطی را فراهم آورده است تا افراد بتوانند به‌طور موقت از نظر مالی دچار مشکل نشوند، می‌توان چنین استنباط کرد که دولت می‌تواند با ایجاد شغل، مانعی در گسترش این پدیده باشد. به گفته دانشجویان نیز پدیده نوجه‌گرایی در بین استادان دانشگاه به شدت رسوخ کرده است و همین شرایط بد، دانشجویان را مجبور می‌سازد تا کارهای پژوهشی استادان یا دانشجویانشان را در قبال دریافت وجه یا امتیاز به پایان برسانند؛ رفتارهای ناپسند که با گذشت عصر برده‌داری، اینک در دانشگاه‌های علوم ورزشی قد علم کرده است (۵). در این زمینه دانشجویان نباید زیر بار چنین ظلمی بروند و باید عزت نفس خود را حفظ کنند. از سوی دیگر، دولت کمک‌هزینه‌ای برای انجام پروژه‌های آزمایشگاهی اختصاص نداده است و استادان حاضر به کمک مالی به دانشجویان نبوده‌اند یا مبالغ بسیار ناچیز است که دردی از دانشجو دوا نمی‌کند. دانشجو با این توجیه به راحتی کار خود را به مؤسسات می‌سپارد. شایسته است که با وجود مخارج بالا موضوعاتی در نظر گرفته شود که دانشجو بتواند از پس هزینه‌های آن برآید یا در غیر این

صورت استادان به‌عنوان حامی دانشجو در کنارش قرار گیرند و دولت نیز می‌تواند با ارائه خدمات و امکانات از این دانشجویان حمایت کند.

ب) موقعیت‌های اجتماعی

ب-۱) ناهماهنگی ناشی از تقدم غلط محیط اجتماعی: با کم‌رنگ شدن عدالت آموزشی، دانشجویان به این نتیجه می‌رسند که تفاوتی بین فرد متعهد و غیرمتعهد وجود ندارد. به‌طوری‌که در یکی از مصاحبه‌هایی که از دانشجویان صورت گرفت، بیان شد: «نوجه‌گرایی استادان به‌حدی شدت گرفته است که با دریافت پست استاد، دانشجوی وی که نقش زیردست وی را بازی می‌کند، نیز پیشرفت می‌کند، به‌حدی که پارتی‌بازی مشهود دیده شده و هیچ‌کس حق اعتراض ندارد، چه‌بسا همان استاد می‌تواند به‌واسطه مرتبه علمی که دارد علیه دانشجوی معترض، اقدام نماید». یکی از دانشجویان در مقطع دکتری در مصاحبه عنوان کرد: «استادان به‌گونه‌ای با ما رفتار می‌کنند که چون ما را به‌عنوان دانشجوی دکتری‌شان پذیرفته‌اند، بنابراین، موظفیم برای آنان مقاله بنویسیم و جاهای خالی رزومه‌شان جهت ارتقا را پر کنیم! به دانشجویان‌شان در نوشتن طرح‌های پژوهشی در هر زمینه‌ای کمک کنیم! کارهای عقب‌افتاده‌شان را انجام دهیم! مشاور بی‌مزد دانشجویان‌شان باشیم و اگر خیلی خوش‌شانس باشیم قول جذب یا امتیازهای دیگر به ما بدهند». یا در مصاحبه‌ای دیگر از استادان، بیان شد که «زمانی که سیستم آموزشی توانایی جذب و پذیرش دانشجویان مستعد را ندارد، استادان مجبور هستند با دانشجویانی سر و کله بزنند که هیچ پشتوانه علمی و عملی ندارند و بهترین راه این است که برای کاهش زحمت این افراد، فرد متخصص کار ایشان را انجام دهد، چراکه استاد وظیفه راهنمایی دانشجو را دارد نه اینکه الفبای پژوهش را به وی بیاموزد». مؤسساتی که با استادان در ارتباط بودند بیان داشتند استادان مراجعه‌کننده از اطلاعات علمی پایینی برخوردارند و به‌دلیل نیاز به کارهای پژوهشی به‌منظور ارتقا و رتبه، از دانشجویان نردبان پیشرفت می‌سازند و با معرفی دانشجویان به ما، علاوه‌بر کم‌رنگ کردن زحمت خود، زمینه ارتقای خود را نیز فراهم می‌آورند. نکته جالب در تمامی توجیهات بالا را می‌توان در پذیرش بالای دانشجو بدون در نظر گرفتن صلاحیت، دور بودن استادان از شیوه‌های جدید پژوهشی و همچنین توقع نابجا از دانشجویان خلاصه کرد که اگر بتوان به شیوه‌ای معقولانه این موارد را کاهش داد، بی‌شک بازتابی درخشان خواهد داشت.

ب-۲) ناهماهنگی ناشی از اعلام نظر مخالف: گروه‌های دوستان و همکاران، با اعلام نظر خود فرد را مجبور به انجام کاری می‌کنند که تمایلی به انجام آن ندارد. از سوی دیگر، با اینکه می‌داند این کار جرم

است، ولی توان مخالفت با آنان را ندارد، تن به این کار می‌دهد. در مصاحبه با یکی از نویسندگان گرایش مدیریت ورزشی، درباره مخالفت با نظر استادان یا دوستان بیان داشت: «من تنها نقش یک دانشجو را دارم و به عبارتی دستم زیر سنگ استاد است، به همین خاطر نمی‌توانم با نظر استادم مخالفت کنم، چراکه می‌دانم این مخالفت پیامدهای منفی به همراه خواهد داشت».

ب-۳) ناهماهنگی ناشی از هم‌نوایی اجباری: متأسفانه بازار پایان‌نامه‌نویسی نوعی فساد در آموزش است، همچنین یکی از ویژگی‌های فساد رسوخ آن در تمامی ارگان‌هاست. زمانی که فساد در یک ارگان رخنه یافت، سایر ارگان‌ها با مصداق «هم‌رنگ جماعت شدن»، به فساد در دولت دامن می‌زنند. به گفته یکی از دلالان، «اگر دولت می‌خواهد فساد علمی را ریشه‌کن کند، چرا اول به سراغ مفسدان اقتصادی نمی‌رود؟!؟ فساد در دستگاه‌های دولتی روزبه‌روز بیشتر می‌شود و هیچ‌کس هیچ کاری در این باره انجام نمی‌دهد. گر حکم کنند که مست گیرند، در شهر آنچه هست گیرند!».

با دقت بر تمامی روش‌های غلبه بر این ناهماهنگی‌ها می‌توان چنین استنباط کرد که علل درونی و بیرونی دارد و براساس مصاحبه‌ها، مسئله‌ای که به شدت بر آن تأکید می‌شد، نوجه‌گرایی استادان و نبود شغل و گسترش فساد بود. عللی که بازتاب شرایط نامناسب جامعه است و اصلی‌ترین آن بیکاری و ضعف نظام‌های دانشگاهی در پذیرش و جذب استادان و دانشجویان با تعهد اخلاقی بالاست. هرچه شرایط سخت باشد، باید انسان‌ها چنین پرورش یافته باشند که شهروندی خوب و نمونه باشند. اگر کشوری این درد را درمان نکند، در آینده با افرادی مواجه خواهد شد که برای هر کار غیراخلاقی و غیرقانونی توجیهی دارند. حتی اگر شرایطی سخت باشد که کارآفرینی و درآمدزایی برای افراد داشته باشد، دولت نباید اجازه دهد که این بازار گسترش یابد؛ چراکه زمینه سقوط خود را فراهم آورده است. بنابراین پیشنهاد می‌شود که دولت تدابیری بیندیشد که اولاً، بتواند شهروند قانونمند و پایبند به اصول اخلاقی تربیت کند، دوم آنکه، شرایطی را به وجود آورد که میزان پذیرش دانشجو و تعداد مشاغل خالی رشته علوم ورزشی، متناسب باشد. ظرفیت پذیرش دانشجویان کارشناسی ارشد در سال ۱۳۹۷ براساس اعلام سازمان سنجش در رشته‌های علوم ورزشی ۳۹۵۷ نفر (گرایش رفتار حرکتی ۴۵۹ نفر، فیزیولوژی ورزشی ۱۷۲۳ نفر، مدیریت ورزشی ۱۲۶۷ نفر، آسیب‌شناسی ورزشی ۴۲۸ نفر و بیومکانیک ورزشی ۸۰ نفر) و ظرفیت پذیرش دانشجویان مقطع دکتری ۱۳۹۸ برابر ۳۳۷ نفر (گرایش رفتار حرکتی ۳۵ نفر، فیزیولوژی ورزشی ۱۳۹ نفر، مدیریت ورزشی ۱۱۵ نفر، آسیب‌شناسی ورزشی ۳۴ نفر و بیومکانیک ورزشی ۱۴ نفر) است. این آمار هر ساله روند صعودی داشته است، اما نیاز اولیه پذیرش دانشجو تعداد هیأت علمی به‌منظور ارائه خدمات

به این دانشجویان است که متأسفانه براساس پژوهش کرد زنگنه و همکاران (۱۳۹۲) کیفیت خدمات دچار ضعف است (۱۱). در این راستا، می‌توان به میزان پذیرش دانشجویان گرایش رفتار حرکتی اشاره داشت که که دانشگاهی تنها با داشتن دو هیأت علمی، اقدام به پذیرش ۱۰ دانشجو (۸ دانشجو در مقطع کارشناسی ارشد و ۲ دانشجو در مقطع دکتری) کرده است یا دانشگاه دیگری با داشتن ۸ عضو هیأت علمی گرایش فیزیولوژی ورزشی، تنها ۲۰ دانشجو در مقطع کارشناسی ارشد پذیرفته است. بنابراین، کیفیت نباید فدای کمیت شود. سوم، هر توجیه از نظر صحت علمی و آمار دقیق بررسی شود، اگر شرایط دانشگاه‌ها آنقدر وخیم است که استادان به‌عنوان الگوی رفتاری دانشجویان اقدام به نوچه‌گرایی یا اجبار به نوشتن مقالات دارند، بهتر است تدابیر آموزشی و حتی قضایی جدی در این زمینه طراحی شود تا از شیوع این‌گونه رفتار ناشایست جلوگیری به‌عمل آید. در نهایت، نتایج این پژوهش نشان داد که پیامدهای روانی این تعارضات به‌طور جدی در آینده گریبان‌رشد و توسعه کشور را خواهد گرفت و به بحران جدی و کنترل‌نشده تبدیل خواهد شد.

منابع و مأخذ

1. Clarke M. How the Unemployment Rate in Spain affects University Enrollment. Economics Undergraduate Honors Theses. 2016, 16.
2. Dridi M. Corruption and education: Empirical evidence. International Journal of Economics and Financial Issues. 2014; 4:476-493.
3. Hardman K, Naul R. Sport and Physical Education in Germany. Routledge. New York, 2002. P. 15-27.
4. Bakhtiari, A. Statistics released: Unemployment statistics with new meters. Newspaper of The world of economics. numer of 4724. October 1st2019. (In persian).
5. Osipian A. L. Education corruption, reform, and growth: Case of post-soviet Russia. Journal of Eurasian Studies. 2012; 3(1): 20-29.
6. Love P.G, Simmons J. Factors influencing cheating and plagiarism among graduate students in a college of education. College Student Journal. 1988; 32(4): 1-8.
7. Osipian A. Corruption in higher education: Conceptual approaches and measurement techniques. Research in Comparative and International Education. 2007; 4 (2): 313-332.
8. Heyneman S.P. Higher education institutions: Why they matter and why corruption puts them at risk. Global Corruption Report: Education, Transparency International. 2013; 101-108.
9. Edrem E, Tansel Tugcu C. Higher Education and Unemployment: A cointegration and causality analysis of the case of Turkey. European Journal of education. 2012; 47(2):299-309.

10. Alizadeh M.A, Nasiri, Kh. Study of occupational problems of physical education and sports science graduates. *Movement Magazine*. 2001; 7:77-89. (In persion).
11. Ghaedi M, Madhoshi M, Razeghi N, Safaee A.H. Causes and backgrounds of academic corruption and its consequences. *Journal of Research and Planning in Higher Education*.2018; 24 (1): 113-135. (In persion).
12. Woodley A, Brennan J. Higher education and graduate employment in the United Kingdom. *European Journal of Education*. 2000; 35: 239–249.
13. Kaaronen RO. A Theory of Predictive Dissonance: Predictive Processing Presents a New Take on Cognitive Dissonance. *Frontiers in Psychology*.2018; 9:2218.
14. Vaidis DC, Bran A. Respectable Challenges to Respectable Theory: Cognitive Dissonance Theory Requires Conceptualization Clarification and Operational Tools. *Frontiers in Psychology*. 2019; 10:1189.
16. Gawronsky B, Branon S. M. What is cognitive consistency, and why does it matter? In *Cognitive Dissonance: Reexamining a Pivotal Theory in Psychology*, ed E. Harmon-Jones (Washington, DC: American Psychological Association). 2019; 91–116.
17. Jamali R, Ghazinoory S, Sadeghi M. Plagiarism and ethics of knowledge: Evidence from international scientific papers. *Journal of Information Ethics*. 2014; 23(1): 101-110.
18. Plumper T, Schneider C. J. Too much to die, too little to live:unemployment, higher education policies and university budgets in Germany,*Journal of European Public Policy*. 2007; 14: 631–653.
19. Waite D, Allen D. Corruption and Abuse of Power in Educational Administration. *The Urban Review*. 2003; 35(4): 281-296.
20. Round, J. & Rodgers, P. (2009). The Problems of Corruption in Post-Soviet Ukraine's Higher Education Sector. *International Journal of Sociology*, 39(2), pp. 80-95.
21. Hemati R. Quantity-oriented development of supreme education and academic life in Iran. *Iranian Journal of Management in Islamic University*. 2013;2(5): 127-156. (in Persian).
22. Izuma, K., and Murayama, K. (2019). “The neural basis of cognitive dissonance. in *Cognitive Dissonance: Reexamining a Pivotal Theory in Psychology*, ed E. Harmon-Jones (Washington, DC: American Psychological Association). 2019; 227–245.
23. Anderson S. Collective Openness and Other Recommendations for the Promotion of Research Integrity. *Science and Engineering Ethics*. 2007, 13: 387-394.
24. Petrov G, Temple P. Corruption in Higher Education: Some Findings from the States of the Former Soviet Union. *Higher Education Management and Policy*. 2004; 16(1): 83-99.

Study of unconventional scientific productions among the students and graduates of higher education in sport sciences with an emphasis on the cognitive dissonance theory

Zohreh Hassani^{*1} - Akram Ghobadi Yeganeh²

Assistant Professor Department of Sport Management, Faculty of Sport Sciences, Razi University, Kermanshah, Iran². PhD of sport Management, Faculty of Sport Sciences, Razi University, Kermanshah, Iran

Abstract

The Unconventional scientific productions in higher education and the dependent informal employment are the problems that have plagued third world countries such as Iran in recent years. Therefore, the purpose of this research was to examine this market among the higher education students with an emphasis on the cognitive dissonance theory. The research method was qualitative-analytical. Data were collected through in-depth semi-structured interviews with 35 students, 52 heads of institutes, 5 authors and 10 sport sciences faculty members of Tehran university, Shahid Beheshti university, Allameh Tabataba'i university, Tarbiat Modarres university, Islamic Azad university and Razi university in 2018-19. The sampling method was theoretical and purposeful one. The findings showed that the strongest individual position was to be minion and the strongest external position was jobless and corruption in the society. The study showed that the sample was aware of the criminal nature of these types of jobs but had not received any penalties from the judicial authorities so far. It proves the weakness of the legal system. It can be considered as a kind of threat towards the education and legal authorities and requires their collaboration to remove such informal employment.

Keywords

Cognitive Dissonance Theory, University Students, Sport Science, Informal Employment, Research Consulting Institutes.

* Corresponding Author: Email: hassanizohreh76@gmail.com; Tel: +989183311715